

فهرست مطالب



مقدمه مؤلف.....	۹
بازگویی پرونده (متن رای دادگاه).....	۱۱
(اسامی فرضی می‌باشند).....	۱۱
نکات نگارشی.....	۱۳
۱-اصطلاح «رای اصداری».....	۱۳
۲-زنای محصنه یا محصن؟.....	۱۴
شناسایی اعمال منافی عفت.....	۱۵
۱-اعمال منافی عفت در معنای خاص و عام.....	۱۵
۲- جمع بندی.....	۱۸
۳- بررسی نظرات اساتید.....	۱۹
بن بست قضایی در احراز جرم قوادی.....	۱۹
جرائم منافی عفت در معنای عام.....	۲۳
ادله اثبات جرائم منافی عفت.....	۲۵
اشکالات فقهی در ماده ۱۹۹ ق.م.ا.....	۲۷
حاکمیت ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک بر ادله اثبات جرائم منافی عفت به معنای خاص.....	۳۰
بررسی علم قاضی در اثبات جرائم جنسی حدی.....	۳۱
علم قاضی در جرائم جنسی حدی از نگاه قانون.....	۳۲
۲- لزوم احراز قاعده «المیل فی المکحلّه».....	۳۹
فروغ اول از این حدیث شریف.....	۴۱
۳- جمع بندی.....	۴۳
۴- نقد رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی - قاعده کالمیل فی المکحلّه.....	۴۳
ادله اثبات جرائم جنسی حدی از منظر شریعت محمدی.....	۴۵
۱- دلالت روایات بر انحصاری بودن اثبات جرائم جنسی حدی با شهادت و اقرار یا فقط با شهادت.....	۴۵

- ۲- روایاتی که بیان می‌دارند جرائم جنسی حدی فقط با دلیل شهادت قابل اثبات است..... ۴۶
- ۳- جمع بندی..... ۴۸
- ۴- تمسک به علم قاضی در موارد به عفت و امثال آن..... ۵۰
- استفتاء نویسنده از دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی..... ۵۱
- ارائه فیلم ضبط شده مصداق جرم قذف است..... ۵۲
- استثنایی بودن جرائم حدی جنسی از بند ب م ۶۴ ق.آ.د.ک..... ۵۶
- بررسی تخصصی بند ب ماده ۲۶۱ ق.ا.م..... ۵۷
- واقعیات داشتن محتوای فیلم منافاتی با تحقق جرم قذف ندارد..... ۵۷
- بررسی سمت شاکی در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک (سمت شناسی)..... ۵۹
- ۱- تحلیل اصطلاح «بزه دیده» و ایراد به تعریف مقنن..... ۵۹
- ۲- بررسی ضرر و زیان ناشی از جرم..... ۶۱
- ۳- جمع بندی..... ۶۵
- حرمت تجسس در جرائم منافی عفت و تعارض با ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک و توجه حکم حرمت به مخاطبین تجسس
نه فاعلین..... ۶۹
- بررسی تطبیقی اقرار و فیلم ضبط شده در تعقیب متهم..... ۷۳
- تاثیر گذشت در جرایم منافی عفت و ممتنع بودن جبران ضرر در جرایم منافی عفت..... ۷۵
- نظر نویسنده..... ۷۸
- عدم رعایت مواد ۲۲۷ و ۲۴۱ از قانون مجازات اسلامی در پرونده فرضی..... ۸۲
- ضرورت امکان تمتع مختص لحظه وقوع زنا می باشد..... ۸۴
- امکان تمتع مسئله‌ای خصوصی و باطنی است و مقام قضایی حق تفتیش در آن را نداشته و مکلف به پذیرش
ادعای زوجین است..... ۸۴
- طرح یک پرونده (پرونده کامبیز)..... ۸۹
- نکات دیگر مربوط به ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی..... ۹۲
- رابطه ماده ۲۱۷ و ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی با یکدیگر..... ۹۳
- نکات تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی..... ۹۵
- ممنوعیت ارجاع امر به ضابطین در جرائم منافی عفت..... ۹۸
- مشهود نبودن متهمه در فیلم ارائه شده و مجرای ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی..... ۹۹
- بررسی عبارت منظر عام و نقد نظر دکتر خالقی..... ۱۰۰
- نسبت عمل منافی عفت و رابطه نامشروع با یکدیگر..... ۱۰۴
- بررسی نظریات مشورتی و نشست‌های قضایی..... ۱۰۵

۱۰۷.....	مرجع صالح جهت رسیدگی به روابط نامشروع مجازی
۱۱۱.....	بررسی اشاعه فحشا در جرم قذف و تطبیق با تبصره ماده ۶۹۷ تعزیرات و تحلیل ماده ۶۹۷ تعزیرات
۱۱۲.....	بررسی مفهوم «عفت» در قانون و ارکان چهارگانه‌ی دادرسی
۱۱۷.....	اکراه و تهدید در جرایم منافی عفت
۱۲۲.....	رابطه بین ماده ۲۳۱ و ۶۵۸ از قانون مجازات اسلامی
۱۲۶.....	ادعای متعه توسط متهم سنی مذهب
۱۲۸.....	عقد نکاح مرد غیر مسلمان با زن مسلمان
۱۳۱.....	نکات متفرقه
۱۴۷.....	شرح تحلیلی قانون سمعی و بصری مصوب سال ۱۳۸۶ و برخی از مواد ق.ج.ر
۱۷۶.....	خاتمه

مقدمه مؤلف

در خصوص جرائم منافی عفت شاید آثار متعددی به رشته تحریر در آمده است که غالباً از نظر این نویسنده گذشته است اما همیشه مسائلی در ذهن نگارنده وجود داشت که تا به حال به آن موضوعات پرداخته نشده بود. همچنین فردی هستم که از تکرار مکررات به شدت بیزار بوده و با جان و دل این سخن مولوی را پذیرفته‌ام که:

هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود

وارهد از حد جهان بی‌حد و اندازه شود

(دیوان شمس غزل شماره ۵۴۶)

لذا این دغدغه باعث شد که کتابی در این مورد نگاشته و به ناگفته‌هایی در این مورد بپردازم. امید دارم که حضرت حق اخلاصم عطا فرماید. این اثر ناقابل را به روح استاد قرآنی‌ام عارف کبیر جناب کربلائی سید تقی باقری رضوان الله تعالی علیه هدیه می‌نمایم.

بازگویی پرونده (متن رای دادگاه)

(اسامی فرضی می باشند)

۱ حسب شکایت خانمی به نام مهدیه، همسر ایشان به نام قادر متهم است به ارتکاب زنا محصن و رابطه نامشروع و عمل منافی عفت با متهمه خانمی به نام مهتری بدین توضیح که شاکیه خانم مهدیه به رفت و آمد و رفتار همسر خود مشکوک شده در منزل مشترک دوربین نصب کرده و زمانی که شوهرش خانم مهتری را به منزل خود می برده و رابطه جنسی اعم و اخص برقرار می کرده را صوتاً و تصویراً ضبط نموده و به همراه شکواییه خویش به دادگاه تقدیم نموده است که حاکی از رابطه جنسی به شرح مذکور در بالا می باشد و از سوی هیات قضایی دادگاه مورد بازبینی قرار گرفت و نیز گوشی تلفن همراه متهم از سوی پلیس امنیت اخلاقی مورد بازبینی قرار گرفته است. متهمان منکر رابطه جنسی و رابطه نامشروع و عمل منافی عفت شده اند. متهم (آقای قادر) اقرار کرده است که شخص موجود در فیلم خودش می باشد. متهمه (خانم مهتری) کلاً منکر حضور خود شده است. پس از مدتی شاکیه (خانم مهدیه) رضایت قطعی خود را نسبت به هر دو متهم اعلام کرده است!

شاکی دیگر، شوهر متهمه (خانم مهری) بوده که او تقاضای رسیدگی دارد. پرونده شخصیت برای متهمان تشکیل شده است. متهمین دارای سلامت روحی و روانی می‌باشند. شاکیه (خانم مهدیه) از متهمان به موجب سند رسمی گذشت نموده است. به موجب سند رسمی شاکیه اعلام نموده است که بیش از ۶ ماه است که با همسرم رابطه جنسی نداشته و به دلیل مشکلاتی بین من و ایشان از ایشان تمکین خاص نمی‌کردم. نظر به اینکه هر دو متهم دارای همسر بوده‌اند و مدت مدیدی در تهران و شمال با هم بوده‌اند و با توجه به فیلم‌های تقدیم شده اقدام به انجام اعمال جنسی اعم و اخص می‌نموده‌اند که حاکی از آن است که متهمان در حالی که امکان تمتع از همسر خود داشته‌اند با وجود آن مرتکب زنا می‌شده‌اند که موجب حصول علم از برای هیات قضایی دادگاه شده است. استناداً به ماده ۲۲۵ و ۲۲۱ و بندهای الف و ب ماده ۲۲۶ و ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی رای بر محکومیت هر یک از متهمان به رجم صادر و اعلام می‌دارد.

دیوان عالی کشور در فرجام خواهی نسبت به این رای به این نکته هم اشاره کرده است که: «در فیلم‌ها متهم به صورت کامل برهنه است. می‌رقصد و شادمانی می‌کند! متهمه بیان داشته: «خانم در فیلم من نیستم. فیلمی دیگر حکایت از برهنه بودن متهم و متهمه دارد!».

النهایه مرجع فرجام خواهی بیان داشته: «رای مطابق مقررات اصدار یافته ... فیلم‌های تهیه شده حکایت از ارتکاب اعمال جنسی خاص و عام دارد و ایراد موثر که موجب نقض دادنامه شود ملاحظه نمی‌شود. فرجام خواهی با هیچ‌یک از جهات مندرج در ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مطابقت ندارد. دادنامه فرجام خواسته ابرام می‌شود».

نکات نگارشی

۱- اصطلاح «رای اصداری»

۲ اولین نکته‌ای که نیاز به اشاره دارد اصطلاح معروف «رای اصداری» می‌باشد. این عبارت یک غلط مصطلح است و به علت رواج آن مورد نقد و ایراد قرار نگرفته است اما طبق قواعد نگارشی درست نمی‌باشد. کلمه (اصدار) بر وزن افعال می‌باشد و یکی از ابواب ثلاثی مزید است. مصدر افعال فی ذاته متعدی است و جهت متعدی کردن آن نیازی به آوردن بای تعدیه نمی‌باشد. در این خصوص نکات اجتهادی و تفسیری فراوانی وجود دارد که در آثار تفسیری خود بر قرآن شریف ذکر کرده‌ایم و اینجا محل مناسبی برای ذکر آن نکات نیست. مناسب این مقام اینکه کلمه (صدر) وقتی به باب افعال می‌رود معنایش «صادر کردن» می‌شود. با توجه به این نکته زمانی که از اصطلاح رای اصداری یا قرار اصداری یا دادنامه اصداری استفاده می‌کنیم معنایش می‌شود «رای صادر کردنی»! و این معنا نادرست است. رای در این گونه موارد نقش موصوفی دارد و صفت آن نیز باید به صورت صحیح آورده شود. لذا به جای عبارت رای اصداری بایستی از عبارت «رای صادر شده» استفاده کنیم. هم‌چنین عبارت: «رای مطابق مقررات اصدار یافته است» که در متن رای دیوان عالی آمده است نادرست می‌باشد. معنای این عبارت چنین می‌شود: رای مطابق مقررات صادر کردن یافته است. لذا بایستی از چنین عبارتی استفاده کنیم: «رای مطابق مقررات صادر شده است». هم‌چنین عبارت: «رای مطابق مقررات انشاء یافته» غلط بوده ولی عبارت: «انشای رای مطابق مقررات بوده است» درست است.

۲- زنای محصنه یا محصن؟

۳ در متن رای شعبه دیوان عالی کشور و در سایر آرای مراجع محترم کیفری این اصطلاح را با هر دو حالت مذکر و مونث به کار می‌برند و گاهی نیز فقط به صورت مونث. در رای حاضر از دیوان عالی کشور آمده است: «ارتکاب زناى محصنه و زناى محصن با یکدیگر...».

در مورد عنوان مجرمانه در متن رای دادگاه کیفری یک نیز در ذیل اتهامات چنین آمده است: «زناى محصنه و محصن».

عبارت صحیح این عنوان مجرمانه: «زناى محصن» است. در این جمله عبارت مُحصَن که به شکل اسم مفعول می‌باشد در واقع صفتی برای لفظ زنا می‌باشد و طبق قواعد ادبی، لفظ زنا مذکر می‌باشد نه مونث و این نکته‌ای است که قضات محترم به آن عنایت نمی‌ورزند.

نکته ادبی

برخی گمان می‌کنند که اسمی که دارای الف ممدوده یا مقصوره باشد حتماً مونث است و لفظ زنا یا زناء چون دارای الف مقصوره یا ممدوده است مونث نیز محسوب می‌شود؛ یعنی می‌گویند لفظ زنا هم مذکر است هم مونث! (نورالله سلطانی، رییس مرکز فقهی حقوقی قوه قضاییه). این سخن صحیح نیست و بایستی بدانیم اینطور نیست که الف ممدوده یا مقصوره همیشه موجب تانیث شود خیر! طبق قواعد مسلم عربی برای مونث شدن لفظی که دارای الف مقصوره یا ممدوده است ۴ یا ۳ شرط لازم است و از میان این شروط، حداقل، این است که این الف حتماً باید زائده باشد بنابراین الفاضلی مانند: ماء، زناء (زنا)، داء و سماء و غیر ذلک همگی مذکر هستند زیرا الف آنها اصلی و از خودشان است و کلماتی مانند زهراء یا صحراء که الف آنها زائده

است بله مونث محسوب می‌شوند. (جامع الدروس العربیه ، علامه غلابینی، جلد ۱، ص ۱۰۲- صرف استاد شمالی ، ص ۱۳۸ با عبارت: ان التاء و الالف بنوعیه لا تفیدان التانیث الا عند زیادتهما و اما ان كانتا اصلیتین او بحکم الاصلیه فلا تؤنثان الكلمه).

نویسنده: منظور از «الالف بنوعیه» یعنی دو الف ممدوده و مقصوره . در روایات نیز اهل بیت علیهم السلام برای زنا صرفاً از عبارت مذکر (محسن) استفاده نموده‌اند یا صفاتی دیگر. مثلاً در تفسیر عیاشی جلد ۲ صفحه ۱۷، امام باب الحوائج کاظم علیه السلام در تفسیر معنای آیه «ما ظَهَرَ مِنْهَا» فرموده‌اند: «الزنا الملعن» (زنا علنی شده) که صفت ملعن مذکر آمده است. در قرآن نیز همیشه برای لفظ زنا صفات یا افعال مذکر آمده است مانند لا تقربوا الزنی انه کان ... که کان برای مذکر استفاده می‌شود. لذا عبارت عنوان مجرمانه زنا محسن و محصنه نادرست است اما اگر این صفت را برای زانی و زانیه بیاوریم بله آن موقع باید گفته شود زانی محسن و زانیه‌ی محصنه.

شناسایی اعمال منافی عفت

۱- اعمال منافی عفت در معنای خاص و عام

۴ هرچند در این خصوص در لابه لای مسائل آتی نکات مهم مطرح خواهد شد ولی شایسته است که در ابتدای کتاب تصویری کلی، منسجم و صحیح از اعمال و جرائم منافی عفت داشته باشیم. با مراجعه به کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است همانند کتاب حدود دکتر مصدق یا کتاب رسیدگی به جرائم منافی عفت دکتر آقایی و نظرات اساتید حقوق، متوجه می‌شویم بررسی جامع و صحیحی در این زمینه رخ نداده است که ما به فضل الهی تصویری منجسم و صحیح ارائه داده و به خلأهای

موجود در نظرات هر یک از اساتید حقوق اشاره خواهیم کرد. قضات محترم کارآموز نسبت به این گفتار دقت تمام عیار داشته باشند زیرا موضوعی مبنایی بوده و می‌توانند بعد از ملاحظه این گفتار نظرات مختلف و مشتتتی که از قضات محترم محاکم صادر شده است را مورد اصلاح و بررسی قرار دهند. ما نیز در گفتاری مستقل به چند نمونه از این نظرات اشاره و مورد بررسی قرار خواهیم داد. بهترین و مفیدترین جمع بندی برای اعمال و جرائم منافی عفت این است که به دو دسته به شرح زیر تقسیم شوند.

دسته اول - اعمالی که مراد مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با الحاقات خرداد ماه سال ۱۳۹۴ در تبصره ماده ۳۰۶ از این قانون می‌باشد. به این دسته می‌توانیم «**اعمال منافی عفت در معنای خاص**» نیز بگوییم.

دسته دوم - اعمالی که در سایر قوانین موضوعه من جمله فصل ۱۸ از ق.م.ا (تعزیرات) مورد اشاره قرار گرفته است که به این دسته نیز می‌توانیم بگوییم: «**اعمال منافی عفت در معنای عام**».

در خصوص دسته اول تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک بیان می‌دارد: «منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است». مقنن در این تبصره با قید عبارت «در این قانون» سعی نموده است تا اولاً معنای جدیدی از اعمال منافی عفت ارائه دهد ثانیاً خاطر نشان سازد که صرفاً اعمال منافی عفت تعریف شده در این تبصره به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند و سائر اعمال، حتی اگر منافی عفت نیز تلقی شوند دارای این خصوصیت نخواهند بود.

عبارت «جرایم جنسی حدی»: مقنن با آوردن قید «جرایم» و «حدّی» سه مطلب را خاطر نشان ساخته است.

اول اینکه صرف عمل جنسی مدنظر نیست مانند خودارضایی و عملی مدنظر است که در قوانین موضوعه جرم انگاری شده باشد.

دوم اینکه حدی باشد.

سوم اینکه خودِ عمل، جنسی باشد نه اینکه مقدمه ارتکاب عمل جنسی باشد. (دقت شود). با عنایت بر این دو قید می‌توان ادعا نمود که مراد مقنن از این عبارت، جرایم زیر می‌باشند:

۱- زنا ۲- لواط ۳- مساحقه ۴- تفخیز.

عبارت «جرایم رابطه نامشروع تعزیری» که در این خصوص چند نکته قابل ذکر است: **نکته اول** - عبارت «جرایم» به صورت جمع از لحاظ محتوایی و نگارشی صحیح نمی‌باشد زیرا جمع آوردن لفظ جرم در حالتی می‌تواند صحیح باشد که چندین عنوان کلی مجرمانه مورد بحث باشد. مانند جرایم سرقت و تخریب و عبارت «جرایم سرقت» عنوان صحیحی نمی‌باشد - هر چند که سرقت خود، دارای انواع مختلفی باشد- رابطه نامشروع در تمام حالات و انواع خود از قبیل تقبیل (بوسیدن) و هم آغوشی و هم بستری و غیره یک عنوان مجرمانه تلقی می‌شود و آن، جرم رابطه نامشروع تعزیری می‌باشد. لذا بایستی گفته می‌شد: «جرم رابطه نامشروع تعزیری».

نکته دوم - از قیود «رابطه» و «تقبیل» نیز استفاده می‌شود که اعمال جنسی یک طرفه همانند عورت نمایی مدنظر مقنن نیست. لذا جرم رابطه نامشروع جنسی در این تبصره دقیقاً همان ماده ۶۳۷ تعزیرات می‌باشد که هم در تبصره ماده ۳۰۶

ق.آ.د.ک و هم در ماده ۶۳۷ تعزیرات از مثالهای تقبیل و مضاجعه به صورت یکسان استفاده شده است.

نکته سوم - جرم همجنس‌گرایی که در ماده ۲۳۷ ق.م.ا بیان شده است نیز جرم رابطه نامشروع تعزیری محسوب می‌شود. این نکته مهمی است که برخی از اساتید به آن دقت نکرده‌اند که در جای خود به نقد آن خواهیم پرداخت. در واقع تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک هرچند در مقام بیان اعمال منافی عفت در معنای محدود و مضیق و خاص است اما در همان مقام، عمومیت رابطه نامشروع را نیز اراده کرده است. لذا هر نوع رابطه‌ای که **دوطرفه، تعزیری، و فیزیکی** باشد مشمول جرم رابطه نامشروع تعزیری قرار خواهد گرفت و در این میان فرقی ندارد که هر دو طرف مذکر یا مونث یا مذکر و مونث باشند. در واقع در نامشروع بودن رابطه جای تردید نیست و صرفاً عناوین مجرمانه تفاوت خواهند کرد و در صورتی که این رابطه نامشروع بین زن و مرد واقع شود عنوان «جرم رابطه نامشروع تعزیری» و اگر بین دو همجنس واقع شود عنوان «جرم همجنس‌گرایی» خواهد داشت. ذکر این نکته از این جهت است که جرم همجنس‌گرایی را نیز می‌توان در تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک جای داده و بایستی به این جرم نیز به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی شود. زیرا آنچه در این مساله موضوعیت دارد نفس رابطه نامشروع فیزیکی می‌باشد و اینکه بین دو همجنس باشد یا بین زن و مرد چه تفاوتی خواهد کرد که اولی در دادسرا رسیدگی شود و دومی مستقیماً در دادگاه؟ (در این خصوص نظر دکتر آقایی بررسی خواهد شد).

۲- جمع بندی

لذا جرائم و اعمال منافی عفت خاص (دسته اول) جمعا ۵ مورد به شرح زیر می‌باشند: زنا، لواط، تفریخ، مساحقه و رابطه نامشروع تعزیری فیزیکی (اعم از اینکه

بین مذکر و مونث یا بین دو همجنس باشد). این جرائم ۵ گانه همان مراد مقنن در تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک بوده و به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند.

۳- بررسی نظرات اساتید

۱- بررسی نظر دکتر خالقی

۵ ایشان در بررسی تبصره مورد بحث هرچند نکات مفیدی را مورد دقت قرار داده‌اند اما نظر ایشان در جایی که بیان داشته‌اند: «جرائم منافی عفت در حدود که شامل جرائم جنسی است یعنی زنا... و قوادی». (دکتر خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری ص ۴۰۱) موجه به نظر نمی‌رسد زیرا همانطور که سابقاً بیان شد جرم قوادی هرچند حدی است ولی جنسی نیست و از باب «معاونت» مقدمه ساز عمل جنسی محسوب می‌شود. لذا جرم قوادی مشمول جرم جنسی حدی قرار نمی‌گیرد.

بن بست قضایی در احراز جرم قوادی

در اینجا شایسته ذکر است که نظر به اینکه شرط اجرای حد قوادی احراز تحقق زنا یا لواط است و از آن جایی که در خصوص جرائم منافی عفت در معنای خاص با حاکمیت ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ تعقیب و تحقیق در این گونه جرائم ممنوع است الا اینکه یکی از شرایط ۴ گانه مذکور در ماده مذکوره موجود باشد با این اوصاف به نظر می‌رسد که با یک بن بست قضایی مواجه می‌شویم. زیرا از یک سو جهت پیگیری جرم قوادی و احراز این جرم بایستی حتماً به تحقق زنا یا لواط پی ببریم و از سویی دیگر حق تعقیب و تحقیق در جرائم زنا و لواط را نداریم! در ما نحن فیه در صورتی که هیچ یک از ادله اثبات جرم نیز وجود نداشته باشد قاضی دادگاه عملاً نمی‌تواند وقوع جرم قوادی را احراز کند الا اینکه نفس قوادی (همان نفس معاونت) را

احراز کرده و مستند به تبصره یک ماده ۲۴۲ و ماده ۲۴۴ از ق.م.ا حکم بر قوادى تعزیری صادر نماید. این مساله نیز یکی دیگر از ناگفته‌ها در این مساله بود که مورد ذکر قرار گرفت. آخرین نکته هم اینکه همانطور که در مباحث پیش رو به آن اشاره خواهیم کرد (شماره ۱۱) صرف وجود ادله اثبات جرم مبنی بر تحقق زنا یا لواط (مانند وجود شهود) مجوز شروع به تعقیب و تحقیق در این جرائم نیست.

□ پرسش: آیا جرم قوادى نیز مستقیماً در دادگاه طرح می‌شود؟

✓ پاسخ: طبق ظاهر ق.آ.د.ک خیر زیرا جرم جنسی حدی نیست اما مساله‌ای که موجب می‌شود این جرم نیز به طور مستقیم در دادگاه طرح شود شرط احراز جرم قوادى است و آن احراز تحقق زنا یا لواط است. از همین روی است که در نشست قضایی استان مازندران به شماره ۱۳۹۹/۷۷۱۹ به تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۶ هیات عالی نشست قضایی در نظری صحیح بیان داشته است: «توجه به اینکه شرط تحقق قوادى طبق تبصره یک ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی وقوع زنا یا لواط بین افرادی است که قواد آنها را برای این منظور به هم رسانده است. لذا جرم قوادى مشمول ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری است و باید مستقیماً در دادگاه مطرح شود». همچنین نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۷/۳۱۴۹ به تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ نیز موید این امر است.

۲- نظر دکتر مصدق

۶ ایشان در کتاب خود بیان داشته‌اند: «جرائم منافی عفت صرفاً شامل زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و رابطه نامشروع تعزیری موضوع ماده ۶۳۷ تعزیرات است». (شرح ق.م.ا حدود ص ۱۵۸). همانطور که مشاهده می‌شود ایشان نیز جرم قوادى را از موارد جرم جنسی حدی ندانسته‌اند اما به دو مساله اشاره نکرده‌اند. اول - تحلیل اینکه